

وقتی دلگیری و تنها

نرھنگ قاسمی

ۛ کوشش:

حمید ناصحی - یاشار ہاشم زادہ

سرشناسه: قاسمی، فرهنگ، /

عنوان و نام پدیدآور: وقتی دلگیری و تنها. / فرهنگ قاسمی

به کوشش: حمید ناصحی، ۱۳۵۶ - یاشار هاشم‌زاده - ۳۶۱

مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: [۱۸۴]ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۶۰۴-۷

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۷۱۳۹۸ و ۵۳۴۴۳ الف / PIR۸۳۵۷

رده بندی دیویی: ۸۶۳ / ۱ فا

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۹۶۵۹۳

فصل پنجم / ناشر خصوصی شعر

وقتی دلگیری و تنها/ فرهنگ قاسمی/ به کوشش: حمید ناصحی - یاشار هاشم‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۸/ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۷-۶۰۴-۳۰۴-۶۰۰-۹۷۸

صندوق پستی ناشر: ۴۵۱-۱۳۱۴۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدی‌زاده، پلاک ۱۰، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷-۶۶۹۰۹۸۴۸ تلفکس: ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram:fasle5

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

۸	پیش‌گفتار
۱۳	گفت‌وگو
۲۹	مجموعه‌ی ترانه‌ها
۳۰	پیک بهاری
۳۲	گفتار
۳۴	تصویر
۳۶	کوله‌ها
۳۸	دیر کن
۳۹	آستان
۴۰	شب و صبح
۴۲	تقدّس
۴۴	گلِ مرداب
۴۶	مادر بزرگ
۴۸	گلِ حسرت
۵۰	غربت
۵۲	من و شمع
۵۴	روسی
۵۵	شکوه
۵۷	سرگشته
۵۸	کویر
۶۰	اعتمادی به تو نیست
۶۲	حقّه
۶۴	بیگانگی
۶۶	طلوع خونین
۶۷	شیاد
۶۹	چرا نه؟

۷۲	مسافر
۷۴	همزاد
۷۶	بُت شکن
۷۸	سنگ صبور
۸۰	زنبق سپید
۸۲	کشتی طوفان زده
۸۳	ترانه‌ی باران
۸۴	تک سوا
۸۵	عشای بزم
۸۷	جدول مشخصات ترانه‌ها
۸۹	ترانه‌های ۱۰ را نشد
۹۰	یادِ فرهاد
۹۲	پرسه
۹۴	ترانه‌ی من و تو
۹۶	چلچراغ
۹۷	همسفرِ آه
۱۰۰	بی خیال
۱۰۲	دیوونه من، دیوونه دل
۱۰۴	گُرگِری
۱۰۶	من و دل
۱۰۸	نامه
۱۱۰	سرداب سکوت
۱۱۲	رنگِ عشق
۱۱۴	نویدِ عشق
۱۱۶	برکه و دریا
۱۱۸	کی به کیه؟
۱۲۰	باورِ عشق

۱۲۲	شرمِ شبنم
۱۲۴	مادر
۱۲۶	گلِ عشق
۱۲۷	بغضِ سکوت
۱۳۰	ترانه‌ی عشق
۱۳۲	همسایه‌ی سایه
۱۳۴	ترانه‌ی خیال
۱۳۶	آرزو
۱۳۸	روی خوش
۱۳۹	نرم‌سایه‌ها
۱۴۰	گنجِ پنهانِ خدا
۱۴۲	یادِ تو
۱۴۳	نقشِ خیال
۱۴۴	هدیه
۱۴۶	خسته
۱۴۸	حیرونی
۱۵۰	گلِ آشتی
۱۵۲	فاصله
۱۵۴	صبر
۱۵۶	اقیانوس
۱۵۸	ساکنِ رویا
۱۶۰	غزلِ آب
۱۶۲	غریبه‌ای در آینه
۱۶۴	پرواز
۱۶۷	اسناد و تصاویر

مقدمه

ترانه، در یک صد سال اخیر از مهم ترین عوامل خاطره آفرین نسل‌هایی شده است که از پی هم آمده‌اند و هر کدام بنا بر شرایط و مقتضیات تاریخی و فرهنگی و اجتماعی، سلیق و علایق و فرم‌ها و سبک‌هایی را به خاطرات نسل‌ها سنجاق کرده‌اند. از میان ترانه‌ها و ترانه‌سرایان پرشمار این سال‌ها اما بخش اندکی توانسته‌اند تبدیل به حافظه‌ی تاریخی یک یا چند نسل شوند. هر یک قاسمی و چندی از ترانه‌هایش بی‌شک از اعضای آن بخش اندک‌اند. فرهنگ قاسمی هر چند از اواسط دهه‌ی چهل شمسی و هم‌زمان با اولین بارقه‌های ترانه‌ی نوین سر ایران کارش را به عنوان ترانه‌سرا آغاز کرده است اما به دلایلی مانند بسیاری دیگر از همکارانش نتوانسته است در آن دهه‌ی سرنوشت‌ساز، همانند بزرگانی چون تورج حیدری و ایرج جنتی عطایی و شهیار قنبری که بخت حضور در اولین آماره‌ی دیوی غیردولتی و جدی تولید و ضبط ترانه (طنین) را داشتند و شالوده‌ی اصلی جریان

ترانه‌ی مدرن ایران را شکل دادند ترانه‌هایش را وارد این موج نوی ترانه کند. با این وجود سال‌های آغازین همکاری او با رادیو ملی ایران بستر ساز خلق ترانه‌هایی شد که به شکلی طبیعی ادامه‌ی سبک تصنیف‌سرایی و ترانه‌سرایی پیش از خود بود و حتی در دهه‌ی پنجاه که به تبع تحولات ترانه، به زبانی جدید رسیده بود نیز این سبک را جسته و گریخته ادامه داد. ترانه‌ی پیک بهاری با صدای ایرج با چنین فازهایی:

آمدی که بشکفت لبانِ گرم غنچه‌ها
آمدی که بسکند سکوتِ سرد شاخه‌ها

و

جلوه‌گرِ خاطره‌هایی بی‌ا
نغمه‌گرِ عشق و صدف بی‌ا

و ترانه‌ی کشتی طوفان‌زده با این فرمِ وفا، رانه به اسلوب پیشینیان:

عشق من چون کشتی طوفان‌زده
می‌رود تا ساحلی پیدا کند
می‌رود تا در دلِ دریای اشک
چاره در کارِ دلِ رسوا کند

نمونه‌های بارز استفاده از سبک متقدمین و زبان رسمی جاری در آن است. گرچه هم در این نمونه از ترانه‌ها و هم در ترانه‌هایی که با زبانی نوتر سروده است گاهی

نشانه‌هایی از زبان‌آشفستگی‌های ناشی از تلاش او برای وارد کردن زبان محاوره به ترانه و یا بالعکس دیده می‌شود. ترانه‌هایی از این دست:

این دل دیوونه‌ی رسوای من
بسته زنجیری به دست و پای من
رنج عالم را کشیدم روز و شب
وای از این روز و از این شب‌های من
یا

قصه‌ی رنج عذابه من
به خدا خونه‌خربه دامن
دل من! وای دل من!
وقتی لب واکنم از شکوه دل
قصه‌ی صد تا کتابه دل من

اما این موارد به نسبت غالب ترانه‌های آن دوران در میان ترانه‌های فرهنگ قاسمی آن‌قدر تعدادشان کم است که می‌توان به راحتی از آنها چشم پوشید. در حقیقت بخشی مهم ترانه‌های او که اتفاقاً ترانه‌های مشهورش نیز در این دسته‌اند از سالم‌ترین و زیباترین آثار ترانه‌ی نوین در آغاز راه است.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در بررسی کیفی آثار فرهنگ قاسمی باید مورد توجه قرار بگیرد ترانه‌سرایی او بر روی ملودی است. او از معدود ترانه‌سرایی است که به شکلی شیوا و روان بر روی آهنگ، ترانه‌های بسیاری نوشته است، خصوصاً ترانه‌هایی که در مسیر همکاری او با فریدون فروغی و عمدتاً بر روی ملودی‌های آسای غربی پدید آمده‌اند. از طرفی تعدد و تنوع طیف آهنگسازان و خوانندگانی که با

فرهنگ قاسمی همکاری کرده‌اند نیز در عین کم‌کاری عجیب او نشان از جذابیت شیوهی ترانه‌سرایی‌اش در فصل شکوفایی ترانه‌ی نوین دارد. از ذوالفنون و ایرج و مرضیه تا تورج شعبانخانی و فریبرز لاچینی و محمد شمس و کامبیز روشن‌روان و ستار و ابی و مازیار و شاهرخ و فرزین و مرتضی و فریدون فروغی، هر کدام برگی از دفتر زرین ترانه‌های او را خوانده و پراکنده‌اند. ترانه‌های شاخص او هم‌سنگ شاخص‌ترین ترانه‌های دهه‌ی پنجاه شمسی و پایه پای آن‌ها در حافظه‌ی ترانه‌ی چند نسل جا گرفته و خاطره‌آفرین شده‌اند. فرهنگ قاسمی در سه‌رهبایی و مضمون‌پردازی ترانه، دست کمی از قله‌های ترانه‌ی نوین ندارد. ترانه‌هایی مانند تصویر، شب و شمع، گوهر، مادر بزرگ، گرفتار و بسیاری ترانه‌ی دیگر از هم‌چنان جایگاهی رفیع در تاریخ ترانه‌ی این مرز و بوم داشته و خواهند داشت. چند تن با کارکردی که ترانه‌ی غربت در اجراهای زنده‌ی ابراهیم حامدی پیدا کرد، استثنای شناسیم؟ خصوصاً سطر مشهور آن ترانه که چند نسل در کنار هم و در کنار تهرانی‌ها می‌زنند:

وقتی دلگیری و تنها، غربت تمام دنیا
از دریچه‌ی قشنگ چشم روشن می‌بارد

اساساً روایت‌نگاری و زندگی‌نامه‌نویسی و گزینش آثار و اسناد هنرمندان و افراد را نباید در تعریف پژوهش و تألیف گنجانیم. اتفاق که متأسفانه سال‌هاست می‌افتد و صدای منتقدین نیز در هیاهوی تبلیغاتی و رزانشان کتاب‌سازان مدعی گم می‌شود. نه این کتاب و نه هیچ کتابی از این دست نباید به‌عنوان یک تألیف و پژوهش باشد. ما نیز چنین ادعایی نداریم. این مجموعه و نمونه‌ی مشابه صرفاً تلاشی است برای جمع‌آوری و تدوین آثار هنرمندان برای سهولت دسترسی علاقه‌مندان و پژوهشگران و مؤلفین راستین این حوزه. قطعاً کاستی‌های بسیاری نیز هست که حتماً در ویرایش‌های آتی کم‌تر خواهند شد.

اواسط سال نود و چهار خورشیدی بود و در تدارک ویژه‌نامه‌ای برای فریدون فروغی در ماه‌نامه‌ی هنر موسیقی بودم. پیشنهادی که از سوی آرش قاسمی وکیل فریدون فروغی ارائه شد و به ویژه‌نامه‌ای مفصل رسید. در این مسیر طبیعتاً فرهنگ قاسمی یکی از مهم‌ترین چهره‌هایی بود که باید سراغش می‌رفتیم. در چندین مرحله مهمان فرهنگ قاسمی و همسر فرهیخته‌شان شدیم و اندک اندک دیگر مانند خانواده، ما را به خلوت جذاب و شگفت‌آورشان راه دادند. جلساتی که سه سال زمان برد. در اولین دیدارها به اتفاق یاشار هاشم‌زاده و آرش قاسمی، آن‌چه از اسناد و مکس‌ها در آرشیو خانگی ایشان بود را واکاوی کردیم و در میان خیل اسناد، راکنده توانستیم موارد قابل عرضه را دسته‌بندی کنیم. در این میان در جلسات اولیه، حمید محمدی و در دیدارهای نهایی کامبیز باقری زحمت عکاسی را متحمل شدند. در میانه‌ی راه نیز محمدعرفان رفیعی ما را به برخی از آثار که هیچ‌کجا نیافت بودیم، رساند.

در تدوین نهایی کتاب، کامبیز باقری عزیز ویرایش نهایی تصاویر را بر عهده گرفت و یاشار هاشم‌زاده نیز تدوین و برایش ترانه‌ها و نهایتاً کل مجموعه را به انجام رساند. چند بار به همراه یاشار مجموعه را بازبینی کردیم و در نهایت نسخه‌ای از گفت‌وگوی من با فرهنگ قاسمی که به ترتیب با فریدون فروغی را در ویژه‌نامه‌ی هنر موسیقی در نوروز نود و پنج منتشر کرده بودم را به کتاب افزودیم. لازم به یادآوری است که در این میان هرگز تلاش نکردیم که به هر شکلی خاطراتی در کتاب وارد شود که طبیعتاً مستندات منطقی پیرامون آن موجود نیست. هرچند فرهنگ قاسمی در هشتاد سالگی هم‌چنان سرزنده و پویا برپا می‌گذراند اما نخواستیم آن‌چه را که دهه‌ها از آن می‌گذرد و ابهام کلی دارد با شائبه‌سازی در ذهن ایشان به کتاب منتقل کنیم. غرض، جمع‌آوری مجموعه‌ای از آثار ایشان بود که به قدر وسیع کوشیدیم. امید آن که مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود.

حمید ناصحی - زمستان ۹۷